



محبوبیت پروردگار عظیم

سید محمد طباطبایی

قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله و يغفر لكم ذنوبكم و الله غفور رحيم .
(آل عمران، ۳۱/۳)

ندانم کدامین سخن گویمت که والاتری ز آنچه من گویمت
تو را عزگولاک، تمکین بس است ثنای توطه و بس بس است
چکیده

محبت بدون معرفت به دست نمی آید. همانگونه که اطاعت بدون محبت امکان پذیر نیست. محبت محور تعلیم و تربیت است و حق تعالی معیار محبت را اطاعت از رسول خدا قرار داده است. پیرو و محبت حبیب الله انسان را محبوب خدا می کند.

اگر نور معرفت بر دل کسی بتابد، نسیم محبت می ووزد. اگر قلبی لبریز از محبت خدا شد جا برای غیر او نیست.

در نوع ادعیه، نازها و رازها و نیازها شرط اصلی محبت خدا را پیروی از حبیب او دانسته است و این با گناه و معصیت سازگاری ندارد، و انسان محب محبوب از هر رجسی بدور است.

رایحه دلپذیر بحث محبت، خصوصاً محبت الله و اولیاء الله جان های تشنه را ترنم می بخشد و شهد شیرین او برای هر کسی همان است که در دل دارد. و آنچه

در این مقاله خواهد آمد، سخنی دربارهٔ محبوبیت پیامبر (ص) خواهد بود. زیرا اگر بحث محبت مطرح است با معرفت و اطاعت همراه است و انبیای الهی به اندازهٔ محبوبیتشان مجذوب اند و گل سرسبد آنها پیامبر اعظم (ص) است. کلید واژه‌ها: محبت، محبوبیت، معرفت، پیامبر اعظم، مجذوبیت.

معنا و ریشه محبت

محبت از ریشه حب و ضد بغض است. ^۱ در فارسی دو معنا برای محبت ذکر کرده‌اند:

دوست داشتن (مصدر متعدی) و دوستی و دوستداری (اسم مصدر). ^۲
راغب اصفهانی می‌گوید:

محبت خدا به بنده، این است که نعمت خود را بر او نازل کند و محبت بنده به خدا این است که خواستار نزدیک شدن به او باشد. ^۳

محبت خدا به بنده، در حقیقت، به معنای محبت او به خودش است زیرا کمال بنده، جلوه‌ای از کمال خداست. محبت یعنی خواستن و تمایل به چیزی که می‌بینی و آن را خیر می‌پنداری و بر سه وجه است:

۱. محبت و دوستی برای خرسند شدن: (آیه ۸ سوره انسان)

۲. محبتی که بر پایه بهره‌مندی است: (آیه ۱۳ سوره صف)

۳. محبت برای فضیلت و بزرگی: مثل محبت دانشمندان و دانش پژوهان برای علم نسبت به یکدیگر و چه بسا محبت به خواستن و اراده تفسیر می‌شود، مانند آیه ۱۰۸ سوره توبه.

دوستی و محبت خداوند متعال به بندگان همانا بخشایش و نعمت دادن اوست به آنها، و محبت بنده درباره خداوند خواستن تقرب و قدر و منزلت داشتن نسبت به اوست. ^۴
اصل حُب از حَب و حَبّه به معنای دانه گرفته شده است. چون محبوب در تخم و دانه مرکزی قلب نفوذ دارد که از آن به «سویدای دل» یاد می‌شود، از این رو عنوان محبت بر آن اطلاق شده است. حُب و محبت در برابر بغض و نفرت، به معنای خواستن چیزی است که خیر دانسته شود، یا گمان به خیر بودن آن برود. برخی محبت را از جنس میل طبع

دانسته اند، نه از جنس اراده، مانند میل طبیعی پدر به فرزند. ۵ الهی مراد در دل مهر تو بکار است و رزه چراغ مرده را چه مقدار است.

رابطه محبت با معرفت و اطاعت

محبت، واسطه‌ای است بین معرفت و اطاعت، محبت از سوی معلول معرفت است و از طرفی علت طاعت، زیرا محبت بدون معرفت به دست نمی‌آید، چنان که اطاعت بدون محبت. بر همین اساس است که محبت محور تعلیم قرار گرفته و وجود مبارک پیامبر اعظم (ص) که حبیب الله است معلم و راهنمای مردم شده و اجر رسالت خویش را مودت به عترت طاهره (ع) قرار داده است: قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربى. (شوری، ۲۳/۴۲)

امام به حق ناطق حضرت صادق آل محمد (ص) نیز فرمودند: کسی که خدا را عصیان می‌کند محبت خدا نیست. آن گاه به این شعر استشهاد فرمود:

تعمی الاله و أنت تظهر حبه

هذا محال فی الفعال بدیع

لو كان حبك صادق لأطعته

إن المحب لمن يحب مطيع^۶

پس محبت هرگز نسبت به محبوب عصیان نمی‌ورزد. و وقتی پیروی حبیب خدا در همه جوانب صورت گیرد، محبت خدا بودن نیز در همه جوانب محقق می‌شود. اگر اطاعت ناقص بود، محبت نیز ناقص است و تنها راه تکمیل محبت، همان پیروی و اطاعت است. محبت به دو چیز است:

۱. وجود کمال در محبوب. ۲. معرفت محبت نسبت به آن.

حضرت امام صادق (ع) فرمودند:

إذا تجلی ضیاء المعرفة فی النوادِ حاج ریح المحبة؛ اگر نور معرفت بر دل بتابد

نسیم محبت می‌ورزد.

لذاست که ائمه اطهار (ع) در باب معرفت الهی به مرحله تام آن رسیده‌اند. از این رو محبت آنان به خدا محبت تام است و در نتیجه همه اعمالشان از روی عشق و محبت به خداست.

انسان‌های کامل داعیه شخصی ندارند و هرگز مردم را به سوی خود دعوت نمی‌کنند بلکه فقط به خدا دعوت می‌کنند، از این رو محبت آنان محبت خداست.

محبت در آیه ۱۶۵ سوره بقره، محبتی است که زمینه اطاعت و تبعیت است نه صرف

حبّ کمال .

اطاعت زاییده محبت و محبت برخاسته از بینش است ، گویا میان بینش و گرایش و کنش ترتیب علی و معلولی است . اگر کسی محبوب حق شد ، آثار فعل خدا به دست او ظاهر می شود و عبادت برخاسته از محبت خستگی در پی نمی آورد ، لذاست که عبادت زیاد ، فرشتگان راهرگز خسته نمی کند ، اگر خستگی و عدم نشاط در عبادت در اثر نبود محبت است . سخن گفتن و همنشینی و انس با دوست لذت بخش خواهد بود نه ملال آور .

سوز دل اشک روان آن سحر ناله شب
این همه از نظر لطف شما می بینیم

ارزش و اجر محبت

عشق یعنی کامل ، که به تنهایی ارزش ندارد ، ارزش آن به ارزش محبوب وابسته است . همان گونه که ارزش علم به ارزش معلوم و ارزش هنر به متعلق هنر است . بر این اساس اگر کسی سنگ و گیاه را دوست دارد محبت او به اندازه همان سنگ و گیاه ارزش دارد و اگر محبوب او بهشت باشد ، به اندازه بهشت ارزش دارد . اما اگر محبت و علاقه به ذات اقدس خداوندی تعلق گرفت ، دیگر حد و اندازه ای نخواهد داشت . اگر عشق حیوانی به مجرد وصال سرد می شود ، ولی عشق الهی با وصال سوزانده تر می شود .

از این رو با سوز و گدازی وصف ناشدنی می گوید : و قلبی بحبک متیما .^۷

و اینکه از امام صادق (ع) نقل شده است :

انه کان یقول (که حکایت از سیره آن حضرت دارد) : اللهم تملأ قلبی حباً لک^۸ .

و حضرت سید الساجدین (ع) نیز فرمودند :

اللهم انی استلک أن تملأ قلبی حباً لک .^۹

الهی ، صحبت دوستان تو آب جان است و با غیر ایشان تاب جان است . لذا قلب لبریز از محبت را «متیم» گویند . اگر قلب ، لبریز از محبت خدا باشد جا برای غیر او خالی نمی ماند . این محبت چون عقلی است ، نه نفسی و مانند آن ، محبوب هر قدر کامل تر باشد محبت عقلی پر فروغ تر است . گاه انسان به حبّ حلال مبتلا است و به چیزی محبت می ورزد . لیکن از آن اطاعت نمی کند . مانند اینکه به فرزند و دارایی خویش علاقه مند است ، ولی دستورهای عبادی خود را نیز انجام می دهد . این علاقه ، و محبت که برای تنظیم امور دنیا است ، چنان که خدای سبحان فرمود : و جعل بینکم مودة و رحمة . (روم ، ۲۱/۳۰) حرام

نیست، لیکن مانع کمال است، مگر آنکه صبغه دینی داشته باشد، مانند محبت حضرت رسول اکرم (ص) نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و نیز محبت پدر و مادری که به فرزند مؤمن و متعهد دینی خود، و گرنه چنین قلبی متمیم به حب خدا نیست و قهراً حضور و خلوص کامل و تام ندارد. چشندگان محبت گفته اند که اگر کسی لذت محبت را بچشد، سراغ محبت دیگری نخواهد رفت زیرا از این پس عشق عاشق حق، افزون خواهد شد.

ذره خاکم و در کوی توأم جای خوشتر ترسم ای دوست که بادی ببرد ناگاهم (حافظ)
آدمی در نشئه ناسوت و طبیعت، با نوشیدن قدحی سیراب می شود، اما در نشئه ملکوت به مجرد نوشیدن قدحی از آب بدون درد عطش علاقه او به نوشیدن افزون می شود. طبق اصل مهمی که در آیه ۸۹ سوره نمل فرمود: من جاء بالحسنة فله خیر منها، و در آیه ۱۶۰ سوره انعام فرمود: من جاء بالحسنة فله عشر امثالها، اجر حضرت حق تعالی به فعل خیر بنده، از آن کار است. بر پایه این اصل محکم الهی که انسان محبت می دهد و محبوبیت می گیرد، با اینکه فاصله بین این دو بسیار زیاد است. خداوند متعال، ظرف محبت را از قدح محبوب بودن پر می کند و هم گناهان را می آمرزد. و از محبت که صفت فعل حق (تعالی) است، مغفرت فهمیده می شود. اما از مغفرت نمی توان محبت را فهمید. زیرا آمرزش الهی نیز بنده را به جهنم نمی برد. اما همه افرادی که از جهنم در امان اند محبوب حق تعالی نیستند، بلکه آن که محبوب است حساب دیگری دارد. اطاعت و پیروی از پیامبر (ص) نشانه دوستی و محبت با خدا و موجب دریافت عفو الهی است و رفتار و گفتار و کردار پیامبر (ص) برای انسان ها محبت است و اطاعت از پیامبر (ص) در کنار اطاعت خداست.

آثار محبت حق تعالی

محبت اثر فعل خداست و هر محبتی آثار فعل خود را به محبوب خواهد داد، پس محبت خدا بر اثر پیروی رسول اعظم (ع) محبوب خدا می شود، به مقامی می رسد که همه آنچه دارد در راه خدا نثار می کند.

چنانچه در آیه ۵۴ سوره مائده بدان اشاره کرده است: اگر کسی از شما از دین بیرون رود، به نظام دینی آسیبی وارد نمی شود، زیرا خداوند به جای شما کسانی را می آورد که محب و محبوب اویند.

کسانی که در برابر مؤمنان، خاضع و در مقابل کافران، سرافراز و گردنکش و تا آخرین

لحظه مقاوم و پایدارند و از هیچ چیزی نمی ترسند و از فضل خاص الهی برخوردارند، سه نوع رابطه را دازا هستند:

۱. رابطه ای با حق تعالی بر اساس محبت.
 ۲. رابطه ای با مؤمنان بر اساس تواضع.
 ۳. رابطه ای با کافران بر اساس عزت، طبع منیع و تسلیم ناپذیری.
- همراه ادعیه در وادی محبت

رایج ترین تعبیر ادعیه ائمه اطهار(ع)، مخصوصاً در مناجات های آنها از محبت سخنی به میان آمده و اگر این حقیقت الهی از ادعیه و مناجات برداشته شود پوسته ای بدون مغز خواهد بود.

در این گونه نازها و رازها و نیازها، شرط اصلی محبت خدا، پیروی از حبیب خدا معرفی شده و نیز سبب محبت و محبوب شدن، اطاعت محبوب و ترک معصیت او بیان شده است. گل سر سبد فرهنگ نیایش مناجات المحبین امام العارفین و العابدین حضرت سید الساجدین(ع) است که پیرامون محبت الهی آتشین ترین تعابیر و دلنشین ترین مضامین را بیان کرده است.

آری، انسان وقتی طعم محبت الهی را چشید سخن او این است که:

الهی من ذا الذی ذاق حلاوة محبتک فرام منک بدلاً؛ یعنی کسی که حلاوت محبت تو را چشیده دیگر چه چیزی می ماند که تو را رها کند و دنبال آن برود؟! آن گاه در فقره دیگری فرمودند:

فاجعلنا ممن اصطفیته لقربک و ولایتک و اخلصته لودک و محبتک؛ در محبت و دوستی آن معنای خالص شدن را از خدا می خواهد یعنی من را جزء کسانی قرار ده که آنها را برای دوستی و محبت خودت خالی کردی. یعنی غیر از خدا چیزی در این دل نمانده است.

در ادامه فرمودند:

و فرغت فواده لحبک؛ یعنی خدایا من را جزء کسانی قرار بده که خودت قلب آنها را خالی کردی برای محبت.

قلب انسان تا خالی غیر نشود جای محبت خدا نیست. تا درخت ها و بوته های هرزه

غضب از این باغ وجین نشود جای درخت محبت نیست.

تبعیت محبت طرفینی است

در قرآن کریم به صورت قانون کلی تبعیت از حبیب خدا را راه محبوب شدن معرفی

کرده است: قل ان کتتم تحبون الله... (آل عمران، ۳/۳۱)

وقتی از پیروی چون محرم آمد	نبی را در ولایت محرم آمد
در آن خلوت سرا محبوب گردد	به حق یک بارگی مجذوب گردد
ز آن کتتم تحبون باید او راه	به خلوت خانه «یحیبکم الله»
بود تابع ولی از روی معنا	بود عامر ولی در کوی معنا ^{۱۱}

اگر هر تابعی مربوط و ملحق به متبوع خود است و فرزندی متعلق به پدر اوست، پیرو حبیب خدا، حبیب الله و تابع خلیل الله خواهد بود. این اصل کلی از این آیه قرآن کریم قابل استفاده است. فمن تبعنی فانه منی و من عصانی فانک غفور رحیم (ابراهیم، ۱۴/۳۶) یعنی هر کس مرا تبعیت کند، از من است (چون من خلیل خدا هستم) و نیز سهمی از دوستی که همان خلعت است بهره مند می شود.

و طبق آیه ۶۸ سوره آل عمران فرمود: ان اولی الناس بابراهیم للذین اتبعوه و هذا النبی و الذین ءامنوا و الله ولی المؤمنین؛ یعنی سزاوارترین مردم به حضرت ابراهیم، پیروان او هستند و چون تبعیت محبت طرفینی است پیرو پیامبر (ص) محبوب او نیز خواهد بود.

و اینکه در آیه ۲۱۵ و ۲۱۶ سوره شعرا می فرماید: و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین. فان عصوک فقل ائی برئ مما تعملون. این بال و پر گشودن و زیر پر گرفتن به کاری محبت آمیز و عاطفی است و اگر در سایه عقل باشد، محبت عقلی را تفهیم می کند.

پس اگر کسی تابع نبی اکرم (ص) باشد، هم حبیب الله می شود و هم محبوب رسول الله (ص) به گونه ای که آن بال های رئوفانه اش را برای او می گشاید و این همه آثار در صورتی است که محبت دو جانبه و پیروی راستین، کامل و مستمر باشد.

ابوبصیر از حضرت امام صادق (ع) نقل می کند:

که پنج گروه خواب ندارند، که یکی از آنها محبتی است که خوف از دست دادن

محبوب، خواب را از چشمان او ربوده است: «و المحب حبیباً یتوقع فراقه»^{۱۱}.

آری، خوف از دست دادن محبوب، خواب را از چشمان محب می رباید: عجبا

لمحبة كيف ينال رسول خدا (ص) حبيب خداست و برای آن که محبوب را از دست ندهد همواره در وصال است. و به ما نیز می فرماید: که اگر محبة خدا هستيد در پی حبيب خدا حرکت کنید، تا از محبة بودن به محبوب شدن برسيد.

اگر خدا محبة انسان شود، آثار خدایی در بنده محبوب ظهور می کند، و راه تأسی به پیامبر (ص) و شبیه آن حضرت شدن محبت است.

پیروی رسول حق، دوستی حق آورد پیروی رسول کن دوستی خدا طلب
شرع، سفینه نجات، آل رسول ناخداست ساکن این سفینه شود امن ناخدا طلب^{۱۳}
همه فدای محبت الهی

اینکه گفته اند: در یک دل جای دو محبوب نیست، چون برای به دست آوردن محبوب اصلی باید دل و جان از محبت فرعی و غیر تهی شود و محبة خدا کسی است که باید به این موارد توجه داشته باشد:

۱. پرهیز و دوری از لذایذ طبیعی به ویژه پر خوری که امام صادق (ع) از پیامبر اعظم (ص) نقل می کند که فرمودند:

ثلاث أخافن علی امتی من بعدی؛ الضلالة بعد المعرفة و مضلات الغنی و شهوة البطن و الفرج؛ در سه چیز بر امت خود می ترسم، گمراهی بعد از شناخت، لغزشهای پول داری. شهوت شکم و فرج.

۲. انفاق از مال خوب و پاکیزه که در سوره آل عمران / ۹۲ فرمود: لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون و ما تنفقوا من شیء فان الله به علیم؛ به مقام ابرار نمی رسید و محبوب حق نخواهید شد، مگر از آنچه دوست می دارید، انفاق کنید. با انفاق علاقه ها گسسته و انسان آزاد می شود، آنگاه راه محبت خدا به سوی انسان گشوده خواهد شد.

۳. بغض به دنیا، دوستی دنیا ریشه هر خطاست؛ «و حب الدنیا رأس کل خطیئة»^{۱۴} پس برای رسیدن به محبت حق تعالی که همه طالب آن اند، هیچ راهی بهتر از انزجار از دنیا نیست، یعنی مهم ترین عامل که انسان را محبة خدا می کند، بغض دنیا است. گنجاندن دو مظروف متضاد در یک ظرف، موجب فساد هر دو و یا یکی از آنها می شود. حب الهی مانند خورشید تابان و محبت به دنیا مانند شب دیجور ظلمانی است.

از این رو حضرات ائمه اهل بیت (ع) عموماً و حضرت خاتم (ص) خصوصاً، هم خودشان

قلبی فارغ از هر چیز داشتند و محبت خدای سبحان اصل و متبوع و محبت شرایع و احکام و اولیای الهی فرع و تابع است و انسان را به محبوب حقیقی می‌رساند: «المجاز قنطرة الحقیقة»^{۱۵}، و هم به دیگران توصیه می‌کردند که سراسر قلبشان را از محبت الهی پر کنند.

آنچنان مهر توأم در دل و جان جای گرفت که اگر سر برود از دل و از جان نرود

پیامبر اعظم (ص) مدرس محبت

اگر بندگی انسان بر محور محبت او استوار شد، وجود مبارک رسول اعظم (ص) مدرس محبت است. و اگر راهیان طریق محبت تا وقتی که محب‌اند در طلب‌اند اما وقتی محبوب شدند در طرب‌اند، هیچ مانعی آنها را از آن جدا نخواهد کرد.

حضرت حق تعالی در آیه ۱۰۸ سوره توبه فرمود: لا تقم فیہ ابدأ لمسجد اسس علی

التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیہ فیہ رجال یحبون ان یتطهروا و الله یحب المطهرین.

از آیه مذکور استفاده می‌شود که تقوار راه رسیدن به محبت است. و مکان و مرکز محبت و مدرّس و معلّم محبت رسول خدا (ص) است نبی مکرم اسلام، از خداوند متعال می‌خواست که عشق به ذات اقدس خود را برای او از آب گوارا شیرین‌تر و محبوب‌تر گرداند: و اجعل حبک أحبّ الی من الماء البارد.^{۱۶}

اگر اهل تقوا، توبه، طهارت و... محبوب خدایند هیچ محبوبی به عظمت حضرت

حبیب الله پیامبر اعظم (ص) نیست زیرا او مظهر محبت کامله حق است.

از این رو خدای سبحان رسولش را محور و مدرس محبت قرار داد، محبت حبیب الله انسان را محبوب خدا می‌کند زیرا کسی که پیامبر (ص) را دوست می‌دارد می‌کوشد مثل او باشد و متخلّق به اخلاق او شود، بدین جهت از او اطاعت می‌کند و این گونه اطاعت، انسان را متعالی و محبوب خدا می‌کند. لذا وجود مبارک حضرت باقر العلوم (ع) طبق نقل علامه مجلسی فرمودند: روزی رسول خدا (ص) در حضور مردم فرمودند:

احبوا الله لما یغذوکم به من نعمه و احبونی لله عزوجل و احبوا قرابتی لی^{۱۷}؛ به

خداوند متعال علاقه مند باشید زیرا غذای جسم و جان شما را فراهم می‌کند و

برای رضای خدا به من علاقه مند باشید.

زیرا من بجرای فیض او هستم و به اهل بیت من علاقه مند باشید زیرا آنها رابطه من و

شما هستند.

عارف نامدار جناب محی الدین ابن عربی و علامه قیصری در شرح قص مربوط به حضرت نوح نکته ای لطیف دارند :

مقام رسول اکرم (ص) مقام اسم اعظم و مقام قرآن بود که بالاتر از فرقان و مقام جمع الجمعی است، در دعوت مردم بین تنزیه و تشبیه جمع کرد: لیس کمثله شیء و هو السميع البصیر (شوری، ۴۲/۱۱) از این رو تبلیغ آن حضرت با موفقیت همراه بود.^{۱۸}

رایحه دلپذیر بحث محبت مخصوصاً محبت الله و اولیاء الله جان های تشنه را ترنم بخشیده و شهد شیرین محبت برای هر کسی همان هست که در دل دارد.

اسلام قانون محبت است و پیامبر خدا (ص) رحمت جهانیان معرفی شده است: و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین. (انبیاء، ۱۰۷/۲۱)

پیامبر خدا (ص) نماد عشق و محبت است، اما محبتی که قرآن کریم دستور می دهد آن است که با هر کسی مطابق میل و خوشایند او عمل شود. با او طوری عمل شود که خوشش بیاید، و لزوماً جذب دین شود. محبت آن نیست که هر کسی را در تمایلاتش آزاد بگذاریم و با تمایلات او را امضا کنیم. این نحوه عملکرد نوعی نفاق و دورویی است. محبت آن است که با حقیقت همراه باشد.

محبت خیر رساندن است و احیاناً خیر رساندن به شکلی است که علاقه و محبت طرف را جذب نمی کند. محبت آن است که خیر و مصلحت جامعه بشریت در آن باشد نه خیر یک فرد یا یک دسته.

البته همیشه محبت واقعی کافی نیست بلکه نوعی حدت و شدت نیز ضرورت دارد، در عین حال جذب کردن و دفع کردن نیز لازم است و اسلام این گونه است:

محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم... (فتح، ۲۹/۴۷)؛
محمد (ص) فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران بسیار دل سخت و با یکدیگر بسیار مشفق و مهربانند...

راستی گفتار و کردارش زحق بر جمله خلق شاهد ملک بقاء و نشاة الاخر استی
آسمان علم و عرش حکمت و خلق عظیم شمع جمع الجمع و بزم لامکان ماواستی^{۱۹}
پیامبر اعظم (ص) محبوب و مجذوب حق تعالی

خداوند متعال در سوره آل عمران، آیه ۳۱ اصل مهمی را بیان داشته است: قل إن

کنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله؛ هر کسی می خواهد محبوب خدای سبحان شود باید تابع رسول اکرم حبیب الله باشد.

سر محبوب بودن آن حضرت به طور تفصیل در آیه های دیگر بیان شده است مثل سوره بقره/ ۲۲۲ فرمود: *إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ*؛ سوره مائده/ ۴۲: *إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسَطِينَ*، پس توکل محبوب خداست متوکل هم محبوب خداست و پیامبر (ص) که اسوه توکل است محبوب خدا خواهد بود. سوره آل عمران/ ۱۵۹: *إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ*. چه اینکه پیامبر الگوی طهارت است و تابعان وی اقتدا به طهارت او کرده، مطهر و محبوب می شوند و چون آن حضرت الگوی قسط و عدل است، مقسطین به وی اقتدا می کنند.

حق تعالی در سوره آل عمران فرمود: *قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ*؛ به مردم بگو اگر محب و دوست خدایید پیرو من باشید تا محبوب خدا شوید. سالک، محب خدا و مجذوب محبوب اوست. بکوشید خدا دوستتان داشته باشد تا شما را به سمت خود ببرد؛ در این صورت بقیه راه شما را می برد یعنی ابتدا چون محبید آهسته آهسته قدم برمی دارید وقتی محبوب خدا شدید او محبوب خود را با جذب به سمت خود می کشاند. حضرت موسی و ابراهیم (ع) خود به طرف خدا رفتند ولی خداوند پیغمبر اسلام را برد، بین بردن و رفتن «سلوک» و جذب به طرف خدا وجود دارد. سالک لنگان لنگان می رود ولی مجذوب با سرعت می دود.

اینکه درباره معراج نبی مکرم اسلام (ص) آمده است: «خطوته مده البصر»^{۲۰} هر قدم براق پیامبر در معراج به اندازه دید چشم بود ناظر به همین نکته است. یعنی با یک قدم به اندازه دید چشم مسافت را طی می کرده.

چنانچه درباره سالکان حقیقی، حضرت وصی (ع) در نهج البلاغه فرمودند:

«قد أحيا عقله و أمات نفسه... و برق له لامع كثير البرق فأبان له الطريق و سلک به السبيل...»^{۲۱} خداوند محبوب خویش را به سرعت می برد و لازم نیست او تدریجاً و آهسته قدم بردارد.

لذاست که حضرت امام سجاد (ع) نیز در فقرات دعای ابوجمزه ثمالی فرمودند:

«يَحْتَبِي النَّبِيُّ الْأُمِّيُّ الْقُرَشِيُّ الْهَاشِمِيُّ الْعَرَبِيُّ التَّهَامِيُّ الْمَكِّيُّ أَرْجُوا الزَّلْفَةَ لَدَيْكَ» یعنی

به دوستی پیامبر امی قرشی هاشمی عربی تهامی مکی مدنی امید تقرب دارم به

نزدت و از ذات حق تعالی می خواهد که جان او را در طریق خود و بر آئین پیامبرش
که درود خدا بر او باد بگیرد «و توفنی فی سبیلک و علی ملة رسولک (ص)».

پس انبیای الهی به اندازه محبوب بودنشان، مجذوبند و در آن مرتبه که فقط محبب‌اند
و هنوز محبوب نشده‌اند سالک‌اند، لذا سیر آنان تلفیقی از سلوک و جذب است برخلاف
پیامبر اکرم (ص) که محبوب خالص است و لذا مجذوب محض خواهد بود، قهرا انبیاء که
مفسران کلام الهی‌اند، تفسیر آنان معجونی از جذب و سلوک می باشد ولی تفسیر پیامبر
اعظم (ص) تفسیر ناب جذبه محض است، چه اینکه شراب بهشتیان هم یکسان
نیست، برخی از چشمه باب تسنیم می نوشند و بعضی ممزوج آن را نه خالص وی را
می نوشند: و مزاجه من تسنیم. عیناً یشرّب بها المقربون. (مطنفین، ۸۳/ ۲۷-۲۸) یعنی شراب
ناب و خالص چشمه تسنیم از آن مقربان است و ممزوج آن از آن ابرار و همچنین درباره
شراب کافور و شراب زنجبیل و منظور از امتزاج در این گونه از موارد همان محبت ممزوج
با محبوبیت و سلوک با جذب است نه مشوئیت زیانبار حق به باطل.

مطلب دیگر این است که ذات اقدس خداوند متعال در مقام معرفی محبوب‌های خود
نظیر محسنین، متطهرین، توابین، متقین، صابریین، متوکلین، مقسطین، فرمود: حتی رزمنده‌ای
را که چون کاخ سربی، در برابر دشمنان دین الهی استوار و مستحکم باشد دوست دارد.^{۲۲}
پیامبر اعظم (ص) نیز در مقابل کفر و نفاق و شرک مانند بنیان مرصوص بود. و طبق
فرمایش حضرت وصی (ع) بنابر نقل کامل ابن اثیر^{۲۳} پیامبر اکرم (ص) همچون بنیان
مرصوص از گزند تندباد سوانح سنگین در امان بود، وقتی ناآثره جنگ مشتعل می شد ما به
آن حضرت پناه می بردیم، وقتی در میدان جنگ به آن بزرگوار نزدیک می شدیم چنان احساس
امن می کردیم که گویا به سنگر رسیده‌ایم در حالی که حضرت (ص) وسط میدان بود.

هم نبی سیف و هم پیغمبر رحمت بخلق قهر عارض لطف ذاتی آیت کبراستی
جان هشیاران عالم در لوای حضرتش جرعه نوش ناب عشق از کوثر اعطاستی
نبی اعظم (ص) چون که محور محبت است، خود نیز فارق بین حق و باطل بوده
است و تبعیت از او برکات زیادی دارد.

نور فرقان مینش رایت فتح المبین لوح قرآن متینش آیت طغراستی^{۲۴}
حضرت ختم المرسلین (ص) دارای جاذبه‌هایی بودند که خداوند متعال او را به دارا

بودن خلق عظیم می ستاید و چنین فردی باید الگوی افراد، در همه جوانب گردد، چنانچه خداوند او را به عنوان اسوه معرفی کرده و می فرماید: «اگر در بعضی از مشکلات تنها هستید برای حل مشکل به پیغمبر اقتدا کنید چون در صدر اسلام تنها کسی که مشکلات را حل می کرد رسول خدا بودند».

اگر اهل تقوا، توبه، طهارت و... محبوب خدایند، هیچ محبوبی به عظمت حضرت حبیب الله (ص) نیست، زیرا او مظهر محبت کامله حق است. از این رو خدای سبحان رسولش را محور محبت قرار داد، محبت حبیب الله انسان را محبوب خدا می کند، زیرا کسی که پیامبر (ص) را دوست می دارد می کوشد مثل او باشد و متخلق به اخلاق او شود بدین جهت از او اطاعت می کند و این گونه، انسان را متعالی و محبوب خدا می کند.

رأفت و رحمت پیامبر اعظم (ص)

خداوند متعال در مورد برخی از انبیا تعبیر برادر کرده و فرموده است: «برای قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم». (اعراف/۷۳) برای قوم عاد برادرشان هود را فرستادیم (هود/۵۰) آن هنگام که برادرشان نوح آنها را گفت... (شعراء/۱۰۶) ولی درباره نبی رحمت العالمین فرمود: هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم. (جمعه، ۲/۶۲) یا اینکه فرمود: لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم. (توبه، ۱۲۸/۹) پیامبری برای شما آمده که از جانتان برخاسته، انحراف شما برای او بسیار سخت است. با حرص و شوق کوشش می کند تا شما مؤمن بشوید، او مظهر رأفت و رحمت خدا برای مؤمنان است. رأفت و رحمت صفت فعل حق است و هر صفت فعل را از مقام فعل و موصوف انتزاع می کنند، نه از مقام ذات وی؛ جایگاهی که محل انتزاع رأفت و رحمت است جایگاهی امکانی است و همان جایگاه می شود رئوف و رحیم، و بارزترین مصداق و مظهر آن رسول خدا پیامبر اعظم (ص) است.

خداوند متعال برای خود رحمتی عامه و رحمتی قائل است و این دو خصوصیت را برای قرآن و پیامبر (ص) نیز بیان داشته: رحمتی وسعت کل شیء. (اعراف، ۱۵۶/۷) پیامبر اکرم (ص) رحمت عامه ای است که همگان از او استفاده تکوینی و بهره غیر تکوینی می برند. از حضرت امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است که:

در خدمت پیغمبر (ص) از جایی عبور می کردیم به هیچ درخت و سنگی

نمی‌رسیدیم، جز اینکه به آن حضرت سلام عرض می‌کردند! ۲۵

آری همه چیز در پیشگاه رحمت خاصه، خاضع است. نبی اعظم اسلام (ص) از آن رو که هم اسم اعظم است و هم مظهر اسم اعظم، در مرتبه رحمت مطلقه خدای سبحان، حضور و ظهور دارد، ولی اساس تعلیم و تربیت آن بزرگوار بر این است که وی تنها رحمت خاصه است. رحمت خاصه در برابر غضب است، خدای سبحان فقط نسبت به مؤمنان رئوف است گرچه رحمت عامه او همه را فرا گرفته: ورحمتی وسعت کل شیء.

حق تعالی پس از تعیین خطوط کلی رحمت خاص، مظهر آن را نیز به جهانیان معرفی کرده که: و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین. (انبیاء، ۱۰۷/۲۴) تو برای همه مردم (عالمین) رحمت خاصه‌ای، زیرا ره آورد تو هدایت و سعادت است و هر کسی این دو را پذیرفته گذشته از این که در دنیا کامیاب است در آخرت نیز برای همیشه آسوده خواهد بود.

در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران فرمود: فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولک... رحمت الهی شامل حال تو شده، که نسبت به امت اسلامی نرم و مهربان شدی و اگر زمامداری خودسر، خود رأی، سرسخت و سنگین دل می‌بودی مردم از تو فاصله می‌گرفتند و تو را تنها می‌گذاشتند.

خدای سبحان درباره پیامبر (ص) می‌فرماید: «رحمت خاص حق در او تجلی کرده و او مظهر آن شده است، زیرا خداوند با مؤمنان مهربان است»: و کان بالمومنین رحیما. (احزاب، ۴۳/۳۳) و پیامبر نیز چنین است، پس رأفت خدا در آینه پیامبر منعکس شده و به دیگران می‌رسد.

قرآن کریم این آینه را به ما معرفی کرده و می‌فرماید: اگر خواستید از رحمت خداوند برخوردار باشید در برابر این آینه قرار بگیرید و به دنبال پیامبر بروید و در دو جای قرآن می‌فرماید: گویا داری از شدت اندوه جان می‌سپاری! فلعلک باخع نفسک علیء اثارهم أن لم يؤمنوا بهذا الحدیث اسفا. (کهف، ۶/۱۸) و در مورد دیگر فرمود: فلا تذهب نفسک علیهم حسرات. (فاطر، ۸/۳۵) چنین نباشد که جانت بر اثر حسرت بی‌ایمان آنها از دست برود.

رحمة للعالمین در عشق و صف رأفتش	شاه اقلیم بقا عبدا اذا صلاستی
مرجع امید و کشف بی‌پناهان در گهش	عرش اعلا مظهري ز آن قبه خضراستی
فرد فردا هل محشر هریک از زیبا و زشت	بهره مند از لطف عام و رحمتش فرداستی

در قیامت چشم عالم از رسولان تا اسم
رحمت واسع اگر شرحی است زان دریای لطف
آسمان علم و عرش حکمت و خلق عظیم
مصطفی احمد ابوالقاسم محمد از احد
عاشقان را قبله آن محراب ابر و در نماز
از محبت بودن تا محبوب شدن حق

خداوند متعال در قرآن کریم به ما فرمان می دهد که وقتی با پیمودن راه، محب حق شدید به این مرحله اکتفا نکنید، و به راحتی صراط مستقیم همت گمارید، تا خداوند نیز محب شما گردد و محبوب او شوید.

پیمودن این راه، نه تنها هیچ مانعی ندارد، بلکه می توان متواضع تر، اطهر، اصدق، اعدل و باتقواتر شد. حتی می توان دیگران را نیز به سرعت و سبقت وا داشت و امام السالکین و امام المتقین شد و گر چه در آیه ۳۱ سوره آل عمران محب حق بودن و محبوب الله شدن، مخصوص حضرات ائمه اطهار (ع) معرفی نشده ولی آنان الگو و اسوه کامل اند و دارای ویژگی هایی هستند که آیه در صدد بیان آن نمی باشد.

اگر برای رفتن هر راهی نیاز به راهنما است تا برنامه ها به فرمان او اجرا شود، برای دوستدار شدن انسان نیز خداوند متعال به حبیب خود فرموده که به مردم بگوید: «اگر دوستدار خدا هستید از من پیروی کنید تا محبوب او شوید». «قل إن کنتم...» حضرت ختمی (ص) از آن جهت که حبیب الله است، رسالت او رساندن پیام محبت است چون سبیره علمی و عملی او اسوه علمی و عملی سالکان است. درس محبت می دهد و در وصیت خویش به جناب اباذر فرمودند: ای اباذر اگر خواستی بفهمی متعجب ترین انسان ها نزد خداوند چه کسی است، بدان، آن که بیش از دیگران به یاد حق باشد: «ان احبکم الی الله اکثرکم ذکرالله» و گرامی ترین انسان ها نزد خداوند پرهیزگارترین آنهاست که این مطلب را از این آیه می توان استنباط کرد: ان اکرمکم عندالله اتقیکم. (حجرات، ۱۳/۴۹)

در باره محبت الهی، و راه رسیدن به آن در فقراتی از حدیث شریف معراج آمده است:
یا محمد وجبت محبتی للمتحابین فی و وجبت للمتقاعین (المتعاطفین) فی و
وجبت . محبتی للمتواصلین و وجبت للمتوکلین علی و لیس لمحبتی علم و

لانهایة و کلما رفعت لهم علما...» ۲۷

نبی اعظم اسلام (ص) مورد خطاب خداوند متعال قرار گرفته می فرماید: محبت من بر چهار دسته از مردم واجب است:

۱. کسانی که یکدیگر را به خاطر من دوست داشته باشند.
۲. عده ای که برای دوستی من از دوستی و ارتباط با کسانی که نمی پسندم دست بردارند و رابطه خود را با دشمنان قطع کنند.
۳. افرادی که به جهت من با یکدیگر رابطه برقرار کنند.
۴. گروهی که بر من توکل داشته باشند.

از مهم ترین راه های جلب خدا، ارتباط نزدیک با رسول خداست. چون او محبوب مطلق خداست و شاید بتوان گفت، سایر محبت های خدا در سایه محبتی است که به این محبوبش دارد.

محبت اولیای الهی، شاخ و برگ محبت خداست، اگر این محبت تقویت شود محبت به خدا تقویت می گردد. ذکر و یاد خداوند از محبت به او نشأت می گیرد، پس هر اندازه محبت به خداوند بیشتر باشد، انسان بیشتر به یاد او خواهد بود. اینکه در آیه ۱۶۵ بقره فرموده: و الذین آمنوا اشد حبا لله، دلخوش از محبت خدا خالی گشته، مرگ را برای خویش بهتر از دل خالی از محبت خدا می پسندند. طراوت و شادابی دلشان به این است که زندگی را با محبت به خدا سپری کنند. و لذا در تلاش اند، با اعمال و رفتار خود، محبت و رضایت او را جلب نمایند و مانع را از سر راه بردارند.

در نتیجه بزرگ ترین لذت در این است که احساس کند، محبوبش از او راضی و خشنود است.

وظیفه پیروان استاد محبت

اگر انسان پیرو و مطیع او و نهی حیب خدا، رسول اعظم (ص) شد بر اساس: و ما اتیکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا. (حشر، ۷/۵۹) عمل کرده احساس وظیفه و رسالت در او پیدا شده و دیگران را به راه هدایت دعوت می نماید، همان گونه که حق تعالی از رسولش این گونه حکایت دارد: قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیرة انا و من اتبعنی و سبحان الله و ما انا من المشرکین. (یوسف، ۱۰۸/۱۲)

یعنی من و پیروانم مردم را به خدا دعوت می‌کنیم. سخن پیامبر اکرم (ص) بهترین سخن است و سخن پیروان ایشان بهترین سخن خواهد بود.

حق تعالی، متفکران محقق را به بررسی مکتب‌های گوناگون و پذیرش بهترین مکتب فرا می‌خواند و بهترین مکتب را نیز مکتب توحید و مصداق را نیز دعوت به خدا معرفی می‌کند.

در نتیجه پیروی حبیب خدا تنها در اعمال انفرادی نیست بلکه شناختن فرهنگ و اندیشه اسلامی، معتقد شدن و با علم و عمل آن را نشر دادن است و در این صورت است که انسان پیرو رسول خدا و محبوب خدای سبحان خواهد بود، چون آن وجود مبارک مدرّس محبت است.

وجود مبارک نبی مکرم اسلام (ص) فرمودند:

«المرء مع من احب»؛ انسان با محبوبش محشور می‌شود.

و امام باقر (ع) فرمودند:

روزی رسول اکرم (ص) در حضور مردم فرمودند: «احبوا الله لما يغذوكم به من

نعمة و احبوني لله عزوجل و احبوا قرابتي لي»

حضرت باقر العلوم (ص) به جابر فرمودند:

«يا جابر بلغ شيعتي عني السلام و أعلمهم انه لا قرابة بيننا و بين الله عزوجل و

لا يتقرب إليه الا بالطاعة له؛ يا جابر من اطاع الله و احبنا فهو ولينا و من عصى الله

لم ينفعه حبتنا. «^{۲۸}

امام باقر (ع) به جناب جابر فرمودند: «سلام مرا به شیعیانم برسان و به آنها اعلام

کنید که هیچ قرابت و نزدیکی بین ما و خداوند عزوجل وجود ندارد و هیچ نزدیکی

نیز بین ما و آنها وجود ندارد، مگر طاعت کردن، کسی که خداوند را اطاعت کند

و ما را دوست داشته باشد پس او ولی ما است و کسی که خداوند را معصیت کند

دوستی ما برای آنها نفعی ندارد».

کسب محبت نسبت به خدا موجب دور ساختن انسان از نافرمانی حق تعالی و

سرپیچی از دستورات او می‌شود، در این زمینه حضرت سید العارفین و العابدین امام

سجاد (ع) در فقراتی از دعای ابو حمزه ثمالی فرموده‌اند: اگر محبت تو از دل من بیرون

نمی‌رود به این دلیل است که نعمت‌های تو را در حق خودم فراموش نمی‌کنم.

پرده پوشی های تو را در مورد گناهانم از یاد نمی برم . پس انسان اگر محبت خدا در دلش پایدار گردد باید پیوسته به یاد خدا و نعمت های او باشد .

لذا نبی مکرم اسلام فرمودند: «احبوا الله لما یغذوکم به من نعمه»^{۲۹} یعنی خدا را دوست بدارید که او از نعمت هایش شما را غذا می دهد .

یار رب دل ما را تو برحمت جان ده

این بنده چه داند که چه می باید جست

درد همه را به صابری درمان ده

داننده توئی هر آنچه دانی آن ده

الهی ما در دنیا معصیت می کردیم ، دوست تو محمد (ص) غمگین می شد و دشمن

تو ابلیس شاد ، الهی اگر فردای قیامت عقوبت کنی باز دوست تو محمد (ص) غمگین

شود و دشمن تو ابلیس شاد . الهی دو شادی به دشمن مده و دو اندوه بر دل دوست

منه . (الهی نامه خواجه عبدالله انصاری)

لذا پیامبر (ص) فرمودند :

به خدا علاقمند باشید ، زیرا حیات شما غذای جسم و روح شما را تأمین می کند . و

برای رضای خدا به من علاقه مند باشید . زیرا من مجرای فیض او هستم و به اهل

بیت من علاقه مند باشید زیرا آنها رابط میان من و شما هستند .

و در حدیثی دیگر فرمودند :

«لایؤمن عبد حتی اکون احب الله من نفسه و تکون عترتی احب الیه من عترته و

یکون اهلی احب الله من اهله و یکون ذاتی احب الله من ذاته» یعنی ایمان بنده ای

کامل نمی شود ، مگر اینکه من پیش او محبوب تر از خود او باشم و عترت من

پیش او محبوب تر از عترت خودش و اهل بیت من پیش او ، محبوب تر از اهل

بیت خودش و ذات من پیش او محبوب تر از ذات خودش باشد .^{۳۰}

در روایتی حضرت وصی (ص) پیروی از مدرّس محبت رسول خدا (ص) را محبت

خدا و رضایت او را مایه بخشایش گناهان دانسته اند . در نهج البلاغه حضرت علی (ع)

محبوب ترین انسان ها را در پیشگاه الهی ، کسی می داند که به حبیب خدا اقتدا کرده و از

آثار او پیروی کند .

وجود مبارک حضرت صادق آل محمد (ص) بنابر نقل علامه مجلسی^{۳۱} حب دنیا و

موالات غیر اهل بیت (ع) را منافی با محبت خدا و معرفت و محبت نسبت به ایشان را مصداق

محبت خدا دانسته اند. مرحوم کلینی (ره) از امام صادق (ع) نقل می کند که: مطیع خدا و تابع اهل بیت (ع) محبوب خداست چه اینکه عصیان را با محبت خدا ناسازگار دانسته اند. ۳۲

۱. العین، ۱/۳۷۶. تهران.
۲. فرهنگ معین، ۳/۳۸۹۲، انتشارات امیرکبیر.
۳. مفردات راغب اصفهانی، ماده حبیب، دارالقرآن دمشق.
۴. ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ۱/۴۴، انتشارات مرتضوی.
۵. مجمع البیان، ۲-۱/۴۵۳، دارالمعرفه.
۶. امالی صدوق/۳۹۶، مؤسسه علمی للمطبوعات بیروت.
۷. دعای کمیل.
۸. کافی، ۲/۵۸۶، دارالتعاریف.
۹. مصباح المتحجد/۵۳۸، مفاتیح الجنان دعای ابوحمزه ثمالی.
۱۰. شرح گلشن راز/۷۳۹، انتشارات احیاء کتاب.
۱۱. من لایحضر الفقیه، ۱/۵۰۳، انتشارات جامعه مدرسین قم.
۱۲. معراج السعادة/۷۴۴، انتشارات امینی و رشیدی.
۱۳. دیوان فیض کاشانی/۳۲، انتشارات کتابخانه سنائی.
۱۴. کافی، ۲/۱۳۱.
۱۵. امثال و حکم دهخدا، ۱/۲۷۰، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. المحجة البيضاء، ۸/۶، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. بحار الانوار، ۱۷/۱۴، دارالاحیاء التراث العربی.
۱۸. شرح فصوص الحکم، ۱/۴۳۴، بوستان کتاب.
۱۹. دیوان حکیم الهی قمشه ای، قصیده خاتمه، انتشارات علمیه اسلامیة.
۲۰. بحار الانوار، ۱۶/۲۲، ح ۱۹.
۲۱. نهج البلاغه، خ ۲۲۰.
۲۲. اشاره به آیه ۹۰ سوره نحل.
۲۳. بحار الانوار، ۲/۳۰۴.
۲۴. دیوان الهی قمشه ای.
۲۵. کافی، ۱/۴۴۶.
۲۶. دیوان الهی قمشه ای.
۲۷. بحار الانوار، ۷۷/۲۱، ارشاد القلوب دیلمی، ۱/۱۹۹، باب ۵۴، انتشارات شریف رضی.
۲۸. بحار الانوار، ۶۸/۱۲۵.
۲۹. همان، ۷۰/۱۶، ح ۷.
۳۰. الدر المنثور، ۲/۱۷۸، انتشارات دارالفکر.
۳۱. بحار الانوار، ۷۵/۲۲۶.
۳۲. کافی، ۸/۱۴.